

کتاب «شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش‌ماهه پیش از ظهور» نوشته مجتبی الساده با ترجمه محمود مطهری‌نیا در ۱۹۷ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در نشر کتاب جمکران راهی بازار کتاب شده است.

در سخن ناشر درباره این کتاب آمده است: اثر حاضر، ترجمه کتاب اثر محقق مسلمان شیعی و ارجمند مجتبی الساده است؛ او با مطالعه و تحقیق در منابع و تفحص در روایات، موفق به

ترجمه کتابی درباره عصر ظهور

دوره

کتاب رسمی



ما یک شب شعر مردمی نداریم، درحالی‌که برنامه‌ریزی چنین چیزی اصلا دشوار نیست. من به خاطر دارم جشنواره‌هایی‌که در دهه ۸۰ برگزار می‌شد، مانند جشنواره شب‌های شهریور. مخاطب زیادی جذب می‌کرد و اصلا این‌که شاعری در شب‌های شهریور

رتبه‌ای به دست می‌آورد، پرایش اعتباری محسوب می‌شد و تا مدت‌ها روی فروش کتابش تاثیر می‌گذاشت. نگاه متولیان به شعر باید تغییر کند، شعر ابزاری برای شروع‌کردن یک برنامه یا وسیله‌ای برای جلب توجه یک نماینده نیست. شاعران آن قدر مه‌چورند و رسانه‌ای روی آنها متمرکز نیست که شعر خواندن یک نماینده در جلسه مجلس می‌شود خبر مهم حوزه شعر یا وقتی یک شاعر بزرگ فوت می‌کند، خبرش منتشر نمی‌شود؛ چراکه می‌گویند کسی او را نمی‌شناسد اما سؤال اینجاست که چرا یک شاعر بزرگ را کسی نمی‌شناسد اما یک بازیگر درجه چهار را همه می‌شناسند. چون شریف‌ترین اوقات رسانه را به او اختصاص داده‌اند. اگرچه زیاد گفته می‌شود که شعر هنر اول ماست ولی باید بپذیریم که به شعر بی‌توجهی شده است. شعر در اروپا هیچ‌گاه جایگاه شعر در ایران را نداشته اما جایگاه خود را حفظ کرده ولی در کشورهایی مانند هند یا تاجیکستان یا افغانستان که به شدردوستی مشهورند، می‌بینیم که شعر چه جایگاهی دارد و مردمش چقدر شعردوست و شاعر‌دوست هستند و به برنامه‌های ادبی توجه می‌کنند. الان در ایران فقط شاعران درباره هم صحبت می‌کنند.

باز می‌خوانند سخن کامل گفت و گو کتاب را در اینستاگرام اینستا کنید

ارائه اثری شده که در آن وقایع و حوادث شش ماه آخرین از سال ظهور حضرت موعود، امام مهدی (عج)، قابل بررسی و مطالعه است.

این اثر ناظر بر تعیین وقت معینی برای ظهور نیست اما جمله خوانندگان را متذکر حوادث مهم و جدی آخرین سالی می‌کند که امید می‌رود واقعه شریف ظهور در آن اتفاق افتد. در مقدمه مولف می‌خوانیم: این مجموعه، نیمه دوم سالی

گوش و چشم مخاطب به غزل عادت کرده است

کتاب‌ها را به شکل مجموعه‌ای منتشر می‌کنند و برای هرکدام عنوانی انتخاب می‌کنند. مانند مجموعه «شعر امروز» که انتشارات نیم‌از تحت این عنوان مجموعه شعرها را منتشر می‌کرد ولی این‌که چرا این عنوان انتخاب شده را اطلاعی ندارم؛ چون به هرحال مجموعه شعرهای دیگر هم بی‌معنا نبوده است! فقط می‌دانم این برندسازی برای همان انتشارات بوده است؛ مجموعه‌ای از کتاب‌ها که از نظر قطع و جلد شبیه یکدیگر است. این تجربه قبلا در انتشارات فصل پنجم هم تجربه شده بود که کتاب‌هایش را با یونیفورم مشابهی منتشر می‌کرد.

پس خودتان شعرتان را شعر معناگرا تعریف نمی‌کنید؟ نه چون نمی‌دانم معناگرا چه تعریفی دارد و به چه معناست!

روند جشنواره شعر فجر را طی ۱۸ دوره‌ای که از برگزاری آن می‌گذرد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر بخواهم صادقانه بگویم، نه در جایزه کتاب سال شعر قیصر امین‌پور و نه در جشنواره شعر فجر، از روند برگزاری و این‌که چگونه کتاب به جشنواره ارسال شد، خبر نداشتم. در جایزه قیصر امین‌پور فقط به من اطلاع دادند که انتشارات کتاب را برای جشنواره فرستاده است و برای این کتاب هم همین اتفاق افتاد. روز یک عصر از خانه کتاب با من تماس گرفتند و اطلاع دادند که کتاب من به مرحله نهایی جشنواره شعر فجر رسیده است. واقعیت این است که من خیلی در جریان روند برگزاری جشنواره نبودم و اگر از من پرسید برگزیدگان دوره‌های قبل جشنواره چه کسانی بوده‌اند، نمی‌دانم؛ چراکه اخبار جشنواره را پیگیری نمی‌کردم اما چیزی که در مراسم اختتامیه دیدم، این بود که رویکرد برگزاکندگان این جشنواره، جوان‌گرایانه بود و در بیشتر بخش‌ها به جوان‌ترها جایزه برگزیده دادند و از کهن‌کسوت‌ها تقدیر شد. حتی نمی‌دانم داوران جایزه چه کسی بوده‌اند. البته این را قبول دارم که جشنواره‌ها در رویکرد ادبیات تأثیر دارد.

چرا کاری در دست انتشار دارید؟

قطا کتاب شعری در دست کار ندارم اما به‌واسطه اشتغال در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مشغول نگارش یک رمان نوجوان هستم که فضایی فانتزی و جادویی دارد.

خیلی‌ها معتقدند کتاب شعر دیگر مورد اقبال مخاطبان نیست و مخاطب به دنبال شعر در رسانه‌های دیگر است.

این حرف را خیلی قبول ندارم؛ چون گروهی از مخاطبان، کتابخوان هستند و همیشه کتاب، از جمله کتاب شعر می‌خرند. کاری که نهاد‌های فرهنگی می‌کنند، این است که سعی دارند مخاطبان را بالا ببرند و به زور همه مردم را مخاطب شعر کنند. درست مثل این‌که قدم به قدم گالری نقاشی بگذارِی، یکی هم ممکن است علاقه نداشته باشد. از آنجایی که صفحات مجازی بیشتر در دسترس مردم است، قاعدتا مطالب درآنجای بیشتر دیده می‌شود. افرادی که از این طریق شعر را دنبال می‌کنند، ممکن است مخاطب جدی شعر نباشند اما هنوز شعر مخاطب کاری که نهاد‌های فرهنگی می‌کنند، این است که سعی دارند اسم و رسم دار هستند، کتاب‌های‌شان به چاپ‌های بالای ۵۰ هم می‌رسد و نشان می‌دهد که کتاب شعر هنوز خریدار دارد. مخاطب غیرجدی شعریک بیت شعر به چشمش می‌خورد و همان را برجسته و ترند می‌کند. شاعرانی که رویکردشان به شعر، حرفه‌ای و جدی نیست با دیدن این موضوع بیشتر به دنبال همان مخاطب می‌روند و سعی می‌کنند دنباله‌رو سلیقه همان مخاطب باشند. این‌گونه شاید سطح شعر نزول پیدا کند ولی این‌گونه مسائل به بدنه شعر جدی و جریان اصلی شعر ضربه نمی‌زند کم‌الین‌که در این مدت هم نتوانسته است جریان اصلی شعر را تضعیف کند.



راکه آخرین سال غیبت است و به ظهور حضرت مهدی (عج) ختم می‌شود، به تصویر می‌کشد. برای استخراج مجموعه این رویدادهای پی‌درپی، به آن دسته از احادیث تمسک

جست‌ایم که به تاریخ خاصی، اعم از روز، ماه یا سال اشاره داشته‌اند که همه علائم حتمی در این محدوده گنجیده‌اند. البته لازم است بگوئیم بسیاری از علائم ظهور حضرت، زمان خاصی را مشخص نمی‌کنند./ جام‌چم

نشر گویا یک طرحی داشت به نام «طرح شعر شباب» برای بچه‌های فراتر از نوجوان ۱۴۰ تا بی‌چاپ شده و اول هم از بیشکسوت‌ها چاپ شد. در سال ۱۴۰۰ به من گفتند شما هم اگر شعر دارید حتی اگر از کتاب‌های دیگرتان باشد، بدهید. چون من مجموعه‌ای از قدیم داشتم که در انتشارات کانون منتشر شده بود به نام «چهرات چقدر آشناست». من اول گفتم شعر جدید دارم شعرهایی که برخی تاریخ‌های‌شان از ۱۰ سال پیش تا جدیدتر است اما از نشر گویا گفتند تعداد شعرها کم است، سه چهار تایی هم از آن کتاب قبلی در این کتاب گذاشتم، چون هدف انتشارات این بود که کارنامه‌ای از شعرهای نوجوان منتشر کند.

غیر از این مجموعه کتاب که انتشارات گویا منتشر کرد، به نظر می‌رسد انتشار کتاب شعر و حتی داستان برای نوجوان کاهش یافته است.

داستان باز بهتر است به خصوص رمان رونق دارد. کارهایی که در انتشارات کانون در قالب رمان نوجوان منتشر شد و نیز کتاب‌های نثرافق، کتاب‌های خیلی خوبی است؛ البته کتاب‌های افق اغلب البته ترجمه است ولی شعر خیلی کم است و ناشران به این راحتی چاپ نمی‌کنند و دغدغه شاعران نوجوان سراسر این است که ناشران علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در این حوزه ندارند. فکر می‌کنم دلش این باشد که دوران نوجوانی دوره مقطعی و گذراست. بچه‌ها وقتی وارد این دوره می‌شوند احساس می‌کنند بزرگسال شده‌اند و شناخت‌شان از دنیای خیلی سخت است، چراکه با موجودی روبه‌رو هستی که نه کودک است و نه بزرگسال. دوست دارد بزرگسالانه به او نگاه شود. پدیده مدرنیسم هم باعث شده است نسل‌ها روز به‌روز تغییر پیدا کنند و حال‌وهوا و دغدغه‌های‌شان متفاوت شود. نوجوان امروز از نظر جهان بینی و نگاهش به دنیای پیرامون یا نوجوان پنج‌سال قبل تغییر زیادی کرده و بخشی از این تغییر هم نتیجه رسانه و فضای مجازی است به همین دلیل بچه‌ها خیلی زود به دوران بزرگسالی پرتاب می‌شوند و اصلا فرصت نمی‌شود آنها را بشناسید.

پدیده‌هایی مانند کودکی، نوجوانی و بزرگسالی جدید برای آنها هم هست اما می‌بینیم که آنها همچنان محتوای ویژه نوجوانان تولید می‌کنند و موفق هم هستند.

من فکر می‌کنم این مسأله به این برمی‌گردد که کتاب و کتابخوانی در آن کشورها یک پدیده جدی است اما در کشور ما این‌گونه نیست. خانواده‌ها درگیر معیشت خود هستند و در این زمینه نظام آموزشی و پرورش می‌تواند در ترویج کتابخوانی خیلی مؤثر باشد اما در آموزش و پرورش هیچ برای کتاب و کتابخوانی و ادبیات هیچ جایگاهی وجود ندارد و کتاب به فکر تقذیه فکری بچه‌ها نیست؛ در صورتی که در کشورهای پیشرفته، این امور کاملا نهادینه شده‌است.

بخشی از این مشکل به خود شاعران و نویسندگان برمی‌گردد که کلیشه‌های ذهنی گذشته خود هستند؟ نویسندگان و شاعران ما خیلی نتوانستند به فضای ذهنی نوجوانان عصر ما نزدیک شوند و آثاری که تولید می‌کنند خیلی با اقبال روبه‌رو نمی‌شود. وقتی دوستانم از من می‌خواهند چند کتاب خوب معرفی کنم تا برای کودکان یا نوجوانان‌شان تهیه کنند، وقتی تأمل می‌کنم؛ می‌بینم به صورت ناخودآگاه و بدون داشتن پیش زمینه، ۹۰ درصد کتاب‌هایی که معرفی

ناشران در شعر نوجوان سرمایه‌گذاری نمی‌کنند

کرده‌ام، ترجمه‌اند. انگار آن نویسنده‌ها و شاعران بیشتر با فضای ذهنی بچه‌ها آشنا هستند. یک دلیل از رونق افتادن ادبیات نوجوان هم شاید این باشد که گروهی از شاعران و نویسندگان داخلی با مخاطبان‌شان فاصله گرفته‌اند. البته ما همچنان آثار خوب زیاد داریم.

این فاصله چگونه باید برداشته شود؟ به این موضوع خیلی فکر کرده‌ام. نویسندگان دیگر کشورها با مخاطبان‌شان ارتباط رودرروی زیادی دارند به گونه‌ای که می‌گویند یکی از کارهای ما خواندن مخاطبان کودک یا نوجوان‌مان یا حضور در جمع بچه‌هاست. این‌که مرتب میان بچه‌ها باشند و با آنها گفت‌وگو کنند و برای‌شان کتاب بخوانند، کاری معمول و عادی برای آنهاست. در میان نویسندگان ایرانی این‌که نویسنده‌ای که خود را متعهد بداند که به صورت مرتب میان بچه‌ها باشد و با آنها ارتباط بگیرد، به ندرت معمول است. کمتر نویسنده‌ای می‌بینیم که در ماه ۴-۵ جلسه با بچه‌ها نشست و برخاست کند و حرف‌های‌شان را بشنود. این اتفاق می‌تواند راهگشا باشد.

طرح «دو پنجره» کانون که نویسندگان و شاعران به میان اعضای کانون می‌روند، این کار را می‌کند. شاید اگر از این طرح‌ها در کانون و آموزش و پرورش بیشتر شود، این مشکل حل گردد.

من خودم مربی کانون پرورش هستم و خودم در همین امسال سه بار در این برنامه‌ها شرکت کرده‌ام اما این طرح خیلی محدود است و زیاد دیده نمی‌شود. خودم به مدارس زیاد می‌روم و ارتباط زیادی دارم، می‌روم برای بچه‌ها کتاب می‌خوانم. به دوستانی که دغدغه ادبیات کودک دارند، حمتا توصیه می‌کنم که این کار را که یکی از لذتبخش‌ترین کارهاست تجربه کنند. این‌که بروی و کتاب خوبی را، نه کتاب خودت بلکه یک کتاب خوب و جذاب را برای بچه‌ها بخوانی خیلی تأثیر دارد. هم برای بچه‌ها و هم برای نویسنده که درک و دریافت بچه‌ها از متن را از نزدیک می‌بیند و می‌تواند از این تجربه در خلق آثار جدید استفاده کند. من به بندرعباس رفته بودم برای جشنواره نشست‌ها فستیوال‌ها. کاش برنامه‌ای باشد که کسانی مسئول این کار باشند که نویسنده کودک و نوجوان به مدارس بفرستند. این‌گرهی است که آموزش و پرورش به‌سادگی می‌تواند آن را باز کند. در هر منطقه شهرهای مختلف نویسندگان کودک و نوجوان، تسهیل‌گر کتاب یا کانفیروش‌هایی هستند که می‌شود بستر حضور آنها برای خواندن و معرفی کتاب را فراهم کرد. مدرسه، خانه دوم بچه‌هاست و آنها در یک مقطع سنی حرف معلم را بر حرف اعضای خانواده خود ترجیح می‌دهند و این کار در درازمدت خیلی تأثیرگذار خواهد بود. خیلی از ناهنجاری‌های اجتماعی را می‌توان از طریق آموزش کودکان رفع کرد.

به نظر خودتان این جایزه تأثیری در سر نوشت کتاب‌تان داشته یا خواهد داشت؟

باید کمی فاصله بگیرم. خود من در حوزه ادبیات کودک و نوجوان هستم، خیلی پیگیرم کتاب‌هایی را که در جشنواره‌های معتبر برگزیده می‌شود تهیه کنم و آن را توصیه و معرفی کنم. دیگر دوستان هم همین‌گونه هستند. البته من پیشنهادی چند سال پیش دادم و معتقدم در داوری کتاب‌های کودک و نوجوان بهتر است از داوران کودک و نوجوان هم استفاده شود. در فیلم کودک این کار را می‌کنند ولی چقدر خوب است که کتاب‌ها را به نوجوان‌ها هم بدهند بخوانند، شاید حتی نتایج تغییر کرد چراکه من دیده‌ام کتاب‌هایی بوده که برگزیده شده اما بچه‌ها از آن استقبال نکرده‌اند و برعکس آن هم بوده که کتابی دیده نشده اما مورد استقبال بچه‌ها واقع شده است.



هنوز شعر، مخاطب جدی دارد که می‌روند و کتاب می‌خرند. می‌بینیم شاعرانی که اسم و رسم دار هستند، کتاب‌های بالای ۵۰ هم می‌رسد و نشان می‌دهد که کتاب شعر هنوز خریدار دارد

«فلسفه ایده‌اولیه داستان» رونمایی شد

مراسم رونمایی از کتاب «فلسفه ایده اولیه داستان» نوشته احمد شاکری حوزه هنری برگزار شد. در این نشست محمدرضا سنگری، مهدی کاموس، حجت‌الاسلام مهدی جهان‌احمد شاکری نویسنده کتاب و محدحسن شاهنگی به سخنرانی پرداختند. سنگری در این جلسه گفت: کتاب فلسفه ایده اولیه داستان با این سؤال آغاز می‌شود که ایده اولیه داستان از چه جنسی است و با چه هدفی مورد توجه نویسنده قرار می‌گیرد؟ مخاطب این کتاب داستان‌نویسانی هستند که برای نوشتن داستان خود به دنبال یافت سوژه هستند.

شنیدن اجراهای خصوصی استاد فقید

مجموعه صوتی «درس‌هایی از داریوش صفوت برای سه‌تار» براساس ردیف‌های مرحوم ابوالحسن صبا عنوان یکی از تازه‌ترین آلبوم‌های منتشر شده در بازار موسیقی است که اخیرا پیش روی مخاطبان قرار گرفت «درس‌هایی از داریوش صفوت برای سه‌تار» عنوان یکی از تازه‌ترین آلبوم‌های منتشرشده در بازار موسیقی است که به همت نشر ماهور در دسترس مخاطبان و علاقه‌مندان موسیقی ایرانی قرار گرفته است. در توضیحات تکمیلی این پروژه آمده است: مجموعه حاضر شامل ضبط‌های خصوصی است که مرحوم داریوش صفوت طی چند سال سر کلاش اجرا کرده است. شیوه آموزش جلسات خصوصی معمولا بدین‌گونه بود که او براساس برنامه تدریس هر جلسه، در کنار پرداختن به جزئیات و ظرایف هر قطعه، بخشی از جلسه را نیز به ضبط قطعات اختصاص می‌داد. اجرای این قطعات معمولا از روی نت با تمپوی آهسته و گاهی همراه با توضیحات شفاهی بود. بخش عمده‌ای از جلسات تدریس، به ردیف ابوالحسن صبا از جمله ردیف سه‌تار، سنتور، و ویولن اختصاص یافته بود. البته جز ردیف سه‌تار صبا، مرحوم صفوت، ردیف سنتور و برخی قطعات ردیف ویولن را برای اجرا روی سه‌تار تنظیم و تدریس می‌کرد./ مهر



کودکان با حماسه‌های ایرانی آشنایی شوند

معاون زیارت و گردشگری سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد گفت: اولین رویداد «کودک و شاهنامه» فرصت مناسبی برای آشنایی بیشتر کودکان با ادبیات کهن و حماسه‌های

اصیل ایرانی را فراهم خواهد کرد. سید جلیل بامشکی اظهار کرد: رویداد «کودک و شاهنامه» از ۱۲ الی ۱۷ اسفند با مشارکت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی در دو نوبت صبح و بعدازظهر ویژه مدارس برگزار می‌شود.

همچنین در نوبت شبانه‌گاهی از ساعت ۱۷ الی ۲۰ حضور آزاد فرزندان به همراه خانواده‌های‌شان را خواهیم داشت. این رویداد شامل سرود خوانی، اجرای نمایش و پنج غرفه ادبی، هنری، بازی و سرگرمی، اوریگامی و ماسک‌سازی است که محتوای همه موارد مرتبط با شاهنامه و حماسه بوده و فرصت مناسبی را برای آشنایی بیشتر کودکان با ادبیات کهن و حماسه‌های اصیل ایرانی فراهم خواهد کرد./ ایسنا



جام جمعه

فرهنگ

CULTURE

دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۷۱۴

